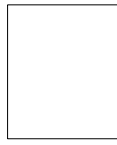


## آسیب‌شناسی نظام تنبیه در مدارس

# تنبیه در مدرسه چه نقشی دارد؟



گروه اجتماعی

نگارنده انجام شد، در بین دو گروه از دانش‌آموزانی که در کلاس A به آنها اجازه مشارکت و ارایه نظر بدون هیچ گونه دخل و تصرفی داده می‌شد و کلاس B معلم به ظاهر به بچه‌ها اختیار داده بود ولی در عمل حرف نهایی را خود می‌زد، یک آزمون عملی و نظری به عمل آمد که در این آزمون بچه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند که تا چه حد از استعداد خلاقه خود در حل مسایل استفاده می‌کنند. نتیجه تحقیق نشان داد که بچه‌های کلاس A در حل مشکلات و مسایلمان در ۸۰ درصد مواقع موفق نشان دادند در حالی که بچه‌های گروه B فقط در ۳۰ درصد موقعیت‌ها به نتایج مطلوب رسیدند.

همچنین در یک مسابقه هوش بین دو گروه A و B پاسخ‌های گروه A تفاوت‌های معناداری با گروه B داشتند که حکایت از رشد خلاقیت‌ها در گروه اول نسبت به گروه دوم داشت.

### تنبیه مقوله‌ای فرهنگی

تنبیه مثل بسیاری از پدیده‌ها، فرآیندی است که در هر فرهنگ و بنا به فراخور تجربیات آن مردم شکل می‌گیرد. به عنوان مثال در کشوری که همواره روحیه تابعیت در مردم درونی شده و تمام تصمیم‌گیری‌ها قائم به یک فرد است، تنبیه نیز پذیرفته شده‌تر است. یک مادر در خصوص ناظم مدرسه پسرش می‌گوید: «ناظم مدرسه پسرم یک مدیر موفق و کم‌نظیر است که همه او را در منطقه می‌شناسند. وقتی از او پرسیدم: شگرد او برای ایجاد نظم در مدرسه چیست؟ گفت: او از چنان اقتداری بهره‌مند است که با اشاره یک دست دانش‌آموزان را در یک صف قرار می‌دهد، به طوری که هر کس با دیدن بچه‌ها در حیاط فکر می‌کند که خاکش برای این تنظیم

که در سال‌های اخیر بسیار دیده می‌شود تغییر مدل‌های تنبیهی از تنبیه‌های بدنی به روحی و فکری می‌باشد. با توجه به اینکه مرتباً گفته می‌شود که تنبیه بدنی مثل ضرب و جرح ممنوع است، ما با الگوهای نوینی از تنبیه فکری و احساسی مواجهیم. این موضوع امروز نه فقط در نظام آموزشی و مدرسه بلکه در سطح خانواده‌ها هم مرسوم و متداول شده است. به عنوان مثال پدر به خاطر عدم حرف‌شنویی کودکش دو روز با او حرف نمی‌زند و یا اخم می‌کند و یا پول توجیبی به او نمی‌دهد که متأسفانه این مدل جدید تنبیه بسیار مخرب‌تر و منفی‌تر از نوع اول است. چرا که کودک در ذهن خود با سوال‌ها و مسایلی روبه‌رو می‌شود که پاسخی برای آن نمی‌یابد. ممکن است کودک از خود بپرسد چرا بابا منو دوست نداره؟ یا چرا دیگه منو تحویل نمی‌گیره؟ متخصصین مسایل تربیتی معتقدند که استفاده از این مدل تنبیه روابط انسانی را به رابطه‌ای مبادله‌ای و تجاری مبدل می‌سازد و در ذهن کودک، عمل

گاهی اوقات به نظر می‌رسد که مدرسه جزو عجیب‌ترین جاهای دنیا است. عده‌ای از بچه‌ها وقتی به این مکان آموزشی وارد می‌شوند، احساس خوبی دارند و فکر می‌کنند این جا با خانه چندان تفاوتی ندارد. اما عده‌ای هم هستند که رفتن به مدرسه را دوست ندارند و برای رفتن به آن به هر ریسمانی متوسل می‌شوند. اما چرا باید جایی که انسان قرار است با ناشناخته‌ها آشنا شود و به تعبیری علم بیاموزد، تا این حد مخوف و غیرقابل پذیرش باشد؟ در مورد مدرسه‌گریزی بچه‌ها بحث و نظریات زیادی مطرح است که در جای دیگر به آن می‌پردازیم. اما آنچه در این جا حایز اهمیت است بررسی عواملی است که می‌تواند فضای مدرسه را رعب‌آور یا دلنشین نماید. به نظر می‌رسد که مقوله تنبیه و استفاده از روش‌های تنبیهی یک عامل مهم در عدم پذیرش ذهنی و احساسی مدرسه در نزد بچه‌ها است. هر چند امروز ما از عصر فلک کردن و تنبیه‌های خشن فاصله گرفتیم، اما همچنان بسیاری از متخصصین روانشناسی اجتماعی بر این اعتقادند که برای ایجاد نظم و دیسیپلین، تنبیه یک امر ضروری و بی‌بدیل است که در برخی از مکان‌های آموزشی ایجاد می‌شود. منتها تنبیهی که امروز از آن دفاع می‌شود نه با شکنجه و آسیب‌های جسمانی بلکه تنبیهی بیشتر روحی است که به حرف شنوی و اطاعت بچه‌ها منتهی می‌گردد. البته امروز در مقابل عده زیادی هم متخصصین مسایل آموزشی وجود هر نوع تنبیه را رد و انکار می‌کنند. از آن جمله می‌توان به پرفسور ایوان ایوانویچ اشاره نمود. او معتقد است: «در گذشته اطاعت جزو لاینفک نظام‌های آموزشی برای جامعه‌پذیری بچه‌ها بود. اما در قرن بیست و یک تنبیه نمی‌تواند تابعیت و در نهایت هم‌نوایی و تطابق فرد با محیط را به همراه داشته باشد». بچه‌ها در عصر جدید می‌خواهند تجربه‌های نو داشته باشند و این تجربه‌ها از روش‌های خشونت‌زا به دست نمی‌آید با توجه به گسترش و اهمیت پاره‌فرهنگ‌ها و فاصله گرفتن جوامع از روش‌های خطی آموزشی شرایط برای پذیرش تنبیه کم‌رنگ شده است. تجربه نشان داده که بچه‌ها هر وقت مورد رفتارهای تنبیهی قرار می‌گیرند به سرعت واکنش نشان داده و در برابر دستورهای صادر شده مقاومت می‌کنند. اما با این اوصاف همچنان تنبیه به اشکال متعدد و جدیدی در نظام آموزشی باز تولید می‌شود. یک اتفاقی

پدر این گونه تفسیر می‌شود که پدر چون من حرفش را گوش ندادم با من حرف نمی‌زند. پس برای بهتر شدن رابطه‌ام با پدر باید از این به بعد حرفش را گوش دهم تا به خواسته‌هایم برسیم. در حالی که در این روش از لحاظ عملی چون استقلال و قدرت تصمیم‌گیری در یک نفر متمرکز می‌شود، عملاً و در نهایت کودک و نوجوان باهوش امروز پذیرای آن نیست. جان مک پیترسون جامعه‌شناس آموزش و پرورش می‌گوید: «در خانواده و یا نظام آموزشی که دلیل و چرایی وجود نداشته باشد و زمینه‌ای برای مشورت با همه اعضا فراهم نگردد، نمی‌توان انتظار ظهور و شکوفایی بچه‌هایی خلاق، مستقل و منتقد را داشت. بچه‌هایی که همواره در وضعیت تسلیم قرار می‌گیرند، نقش کنشگر فعال را نیاموخته و نمی‌توانند نظریات خود را بدون ترس و واهمه‌ای ارایه دهند». در یک تحقیق که توسط



و هماهنگی گذاشته شده است».

طبیعتا چنین تفکری ریشه در پذیرش فرهنگ تابعیت دارد. در فرهنگ‌هایی که آبخشور آنها از فرهنگ پدرسالاری است، هیچ چیز مهمتر از نظم و انضباط نیست در حالی که در فرهنگ‌هایی که تجربه استقلال فردی، هویتی به دانش‌آموزان داده می‌شود افزایش آگاهی‌ها، مدیریت مشارکتی و گفت‌وگو بین طرفین معادله حرف اول را می‌زند. این طبیعی است که همه ما به یک جامعه منظم و به‌نجار اعتقاد داریم و این باز پذیرفته شده است که حتی در کشورهای فرادست برای اینکه شهروندان، قانون را رعایت نمایند و حقوق تک‌تک افراد حفظ گردد، با هر گونه تخطی و عدول از قانون به شدت برخورد می‌شود. منتها یک تفاوت عمده میان این دو نوع رفتار وجود دارد و آن اینکه در جامعه پدرسالار زمینه ایجاد نظم، ترس و اضطراب است و اتفاقا گریز از قانون بسیار بیشتر از دنیای پیشرفته دیده می‌شود در حالی که در جامعه مدنی هر فرد یاد می‌گیرد به حرف‌های دیگران گوش دهد، قانون را رعایت نماید تا راندمان و بهره‌وری مطلوبیت‌ها در جامعه بالاتر رفته و همه از این شرایط سود برند. نکته‌ای که اکثر مواقع برخی از محققین به اشتباه مطرح می‌کنند این است که آنها تفاوت میان آزادی مطلق و مدیریت آزادمنشانه را درک نمی‌کنند. در مدرسه و یا حتی جامعه‌ای که آزادی مطلق وجود داشته باشد، یقینا هرج و مرج حاکم شده و هر شهروند بر اساس ذهنیات و تمایلات شخصی و فردی عمل می‌کند. در حالی که در مدرسه مبتنی بر مدیریت آزادمنشانه، بچه‌ها یاد می‌گیرند که بعضی اوقات خود معلم باشند و در حفظ فضای کلاس موثر باشند. در مدرسه مبتنی بر مدیریت آزادمنشانه هر کس حقوق و مسوولیت‌های خود را می‌داند. ولی به او اجازه فهم محیط، برقراری ارتباط مناسب با دیگران را می‌دهند. تنبیه نمی‌تواند به رفتار کنش‌های مناسب و خلاق افراد منجر گردد. چون به هر صورت در ذات و ماهیت خود حکم پذیرش و تحمیل ذهنیات دیگران بر ما را دارد که الزامی برای نتیجه سودمند گرفتن ندارد. عده‌ای می‌گویند: مشکلی که در روش‌های غیرتنبیهی وجود دارد این است که راه رسیدن به هدف طولانی است و نیاز به صبر و تحمل زیادی دارد که ما نداریم که البته این دسته از این موضوع غافلند که نقطه‌ی مقابل تنبیه، الزاما تشویق نیست. یعنی اجباری وجود ندارد که اگر ما بخواهیم تنبیه را حذف کنیم، مجبوریم همیشه کودکان را تشویق کنیم. این امری بدیهی است که انتخاب مطلق تشویق پاسخ‌گوی نیازهای ما نیست. منتها در روش‌های تربیتی می‌توان از رفتارهای جدیدی استفاده کرد که ضمن اینکه در خود قاطعیت را دارد اما شکل تنبیهی ندارد. در کلاس‌های گفت‌وگو که در کشور سوئد به عنوان یک الگوی موفق تعاملی از آن یاد می‌شود، تاکید می‌شود که قاطعیت پیام و گفتار خود را به بچه‌ها با تمرین صبر و شکیبایی در خود نشان دهید. باید تلاش کنید که بر ذهن و فکر و احساس کودک تاثیر فزاینده‌ای بگذارید که این روش الزاما از تحکم، تنبیه و خودخواهی صرف

تغذیه نمی‌گردد. آمارها نشان می‌دهد که به دلیل عدم تحول در دیدگاه‌های ذهنی ما نسبت به ایجاد یک کلاس استاندارد بچه‌ها هر روز بیشتر از گذشته از مدارس دوری می‌جویند و همچنین رفتارهای نابه‌نجار و آسیب‌های اجتماعی در مدارس و یا خانواده‌هایی که تنبیه را به عنوان یک روش کارآمد می‌دانند، بسیار بیشتر است. طبق یک بررسی در میان دختران فراری یکی از مهمترین عوامل فرار آنها مربوط به ایجاد تنفر یا بحران ارتباط مناسب با والدین یا معلم‌ها و یا خشونت‌هایی بوده که آنها در خانه یا مدرسه آن را تجربه کرده‌اند. از یاد نبریم که بچه‌ها حتی برای پذیرش آن چیزی که حتی در بیان ما به حق و شایستگی عنوان می‌شود، نیاز به فرصت و زمان دارند. متأسفانه در برخی از مدارس و خانواده‌ها این اصل فراموش می‌شود که بچه‌ها هم می‌توانند اشتباه کنند و در سایه اشتباهات است که پخته و کامل می‌شوند و این دقیقا همان مسیری است که همه بزرگسالان کم و بیش طی کرده‌اند. اما امروز یک معلم رفتار دانش‌آموز را تحمل نمی‌کند و در نمره دادن یا رفتار با او ناراحتی خود را به او می‌فهماند و گاهی اوقات حتی به دلیل عدم رعایت تناسب، به تنبیهاتی سنگین‌تر همان طور که در بالا عنوان شد همچون تنبیه‌های روحی و احساسی روی می‌آورد که بسیار بسیار مخرب و زیان‌آور می‌باشد. چون در چنین شرایط فرد تنبیه‌شونده خود را مستحق این جزا نمی‌داند، در حالی که فرد تنبیه‌کننده تصور می‌کند عدالت را رعایت کرده و باید او را به فهم اشتباهاتش برساند. کودکان در قرن بیست و یک کودکانی پیچیده هستند که در برابر هر کنش یا واکنشی، استدلال و منطق کافی آن را طلب می‌کنند. حتی نوزاد شش‌ماهه‌ای که به هر دلیل پستان مادرش را نمی‌گیرد و از خوردن شیر اجتناب می‌کند، به ما هشدار می‌دهد که رفتار ما را نمی‌پسندد. کودکان امروز می‌خواهند صادقانه عمل کنند و در جست‌وجوی شفافیت از سوی بزرگسالان هستند. اگر معلم در کلاس با صدای بلند به دانش‌آموز بگوید که تو اشتباه می‌کنی. این کار به تصحیح رفتار او منجر نمی‌شود بلکه دانش‌آموز را مجبور به رفتارهای متناقض و چندبعدی می‌نماید. یعنی کودک در مقابل بزرگسالان و معلم‌ها رفتارهای سنجیده موردنظر ما را بروز می‌دهد اما در میان دوستان و همسالانش رفتارهای متضاد با رفتارهای قبلی‌اش ارایه می‌دهد. چنین دوگانگی می‌تواند آسیب‌های جدی به کودکان برساند به طوری که روحیه خودباوری، راست‌گویی و صداقت را در آنها از میان برده و آنها را به موجوداتی بی‌شکل و هویت مبدل می‌سازد. جیمز گرونی معتقد است: رفتار مطلوب در کودکان در سایه احترام متقابل و مشورت پدید می‌آید. تنبیه کودک را افسرده نموده و او را از شنیدن دیدگاه‌های انتقادی و بعضا خوب دیگران محروم می‌سازد و به جای آن احساس عدم امنیت را در روحیه و احساساتش پایدار می‌نماید که نتیجه آن چندان مناسب و مطلوب نیست.

### روش‌های کارآمد تربیتی

حال لازم است به اختصار به روش‌های مناسب تربیتی که می‌تواند جایگزین تنبیه گردد بپردازیم. به طور

کلی بهترین و مناسب‌ترین روش تربیتی بالا بردن سطح آگاهی‌ها در کودکان و نوجوان است. والدین و معلم‌ها و مربیان آموزشی باید در مقابل رفتارهای نابه‌نجار و کجرو دانش‌آموزان صبور بوده و تلاش به فهم درونی آنان نمایند، فهمی که در سایه‌ی تلاش و شکیبایی ما حاصل می‌گردد. اگر کودکی با عصبانیت با ما برخورد می‌کند و یا برای رسیدن به خواسته‌هایش فریاد می‌زند، این بزرگسالان هستند که باید به او بگویند: که شرایط او را درک می‌کنند اما او می‌تواند از روش‌های دیگری هم به نتیجه برسد. بهترین روش که در دنیا در مقابله با رفتارهای نامناسب کودکان مطرح می‌شود، گفت‌وگو و تعامل دوسویه است. به کودکان و نوجوانان فرصت حرف زدن بدهید مثلا بهتر است در کلاس‌های درس معلم‌ها از بچه‌های نابه‌نجار بخواهند که در اداره کلاس به آنها کمک کنند و بعد از پایان کلاس از او به خاطر همراهی‌ها و کمک‌های فراوانش تشکر کنند و بگویند که این خوبی تو را هیچ وقت فراموش نمی‌کنند.

مساله دیگری که عموما در نظر گرفته نمی‌شود، این است که بچه‌ها باید مسوولیت‌پذیری را درونی کنند تا نیازی به استفاده از خشونت و تنبیه بدنی نباشد. در خانه به بچه‌ها یادآوری نمایند که نظم خانه برای همه ما ضروری است و همه باهم باید در حفظ آن تلاش کنیم. در مدرسه بهتر است هر روز با مدیریت معلم‌ها و همکاری دانش‌آموزان در کنار فراش کلاس‌ها را تمیز کنیم و به بچه‌ها بگوییم که مدرسه خانه ما است و باید برای اینکه بیمار نشویم و انرژی‌های منفی کثیفی از آن دور شود، همه با هم تلاش کنیم. ما نباید بچه‌ها را به خاطر ریختن آشغال در حیاط مدرسه مواخذه نماییم، بلکه باید آگاهی او را نسبت به محیط زیست ارتقا بخشیم.

تحقیقات علم روانشناسی و جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که اکثر انسان‌ها دچار تشنگی عاطفی هستند که این تشنگی‌ها اختلالاتی در روان و ادراک کودکان ایجاد می‌نماید. وقتی کودک در خانه رفتار نامناسبی از مادر خود می‌بیند و در مدرسه معلم به دلیل مشکلات اقتصادی خود، حوصله رفتارهای هیجانی او را ندارد، طبیعی است که معلم را به عصبانیت وامی‌دارد که روابط ناسالم، بحران روحی را در فرد تقویت کرده و او را به موجودی کجرو و نابه‌نجار مبدل می‌سازد. در کلاس‌های درس خلاق تاکید بر درک لایه‌های مخفی ضمیر ناخودآگاه دانش‌آموزان می‌شود معلم موفق کسی است که بتواند احساسات عقلانی شده را زنده کند و تضادهای عمیق روحی بچه‌ها را با مهربانی و عشق پاسخ دهد. این کار شاید در عمل سخت به نظر آید، اما راه حل آن ساده و آسان است. فقط کافی است به کودکان نزدیک شده و اعتماد آنها را به خود جلب نمایید. اعتماد باعث برون‌ریزی ناکامی‌ها از درون کودک شده و او را در مسیر درست تربیتی قرار می‌دهد. از یاد نبریم که در جامعه پیچیده و شبکه‌ای امروز بحران‌های عاطفی یک مساله حاد و حایز اهمیت است که نیاز به صبر، تحمل و تعامل دوسویه دارد. به کودکان فرصت خودباوری و ارایه خود واقعی‌شان را بدهید، تنبیه و روش‌های سنتی تربیتی فراموش کنید. ▲